گزارش

پیام پیوستن عماد رضا به سپاهان

قلعه‌نویی در اصفهان نمی‌ماند

■ سپاهان روز گذشته اولین حرکت جدی خود را در خرید بازیکنان انجام داد و عماد رضا، مهاجم سابق خود را دوباره به خدمت گرفت. با اضافه شدن این بازیکن عراقی که با امیر قلعه‌نویی در زمان مربیگری‌اش مشکلات زیادی داشت، مشخص شد این مربی فصل بعد در این تیم اصفهانی روی نیمکت نخواهد بود. هر چند مسوولان باشگاه سپاهان مدعی هستند مذاکرات با قلعه‌نویی برای حضور در اصفهان ادامه دارد اما اتفاقات باشگاه سپاهان نشان می‌دهد پرونده موفق‌ترین مربی لیگ در این تیم بسته شده است. در حالی که همگان از اختلافات اساسی قلعه‌نویی با عمادرضا خبر دارند، غلامحسین حسینی رییس هیات مدیره باشگاه سپاهان اصفهان درباره پیوستن عمادرضا می‌گوید: عماد رضا از آنجایی که بازیکن توانمندی است، با هر مربی که در سپاهان حضور داشته باشد، می‌تواند کار کند و فکر نمی‌کنم مشکل خاصی پیش بیاید. حتی امیر قلعه‌نویی اواسط سال قبل درخواست داده بود عماد را جذب کنیم، اما این‌گونه نشد. البته این تمام اتفاقات باشگاه سپاهان نیست که به ضرر قلعه‌نویی رقم می‌خورد؛ هاشم بیک‌زاده، بازیکن مورد علاقه قلعه‌نویی نیز در صدد جدایی از سپاهان است و حتی روز گذشته نیز در باشگاه استقلال تهران حاضر شد. حسینی در مورد دیگر گزینه مربیگری این تیم گفت: گزینه نخست ما کماکان امیر قلعه‌نویی است، اما ابراهیم‌زاده هم یکی از گزینه‌های ماست و منتظریم تا تکلیف این مربی با ذوب‌آهن مشخص شود. با دایی، برانکو و لوکا صحبتی نداشته‌ایم. هواداران مطمئن باشند ظرف یکی، دو روز آینده وضعیت نیمکت سپاهان مشخص خواهد شد. از سوی دیگر ساکت، مدیرعامل سپاهان همچنان به دنبال بستن قرارداد با امیر قلعه‌نویی است: در حال مذاکره هستیم و تا یکی، دو روز آینده تکلیف این موضوع هم مشخص می‌شود. ساکت در مورد تعیین سقف قرارداد می‌گوید: هیات رییسه و بنده بارها با فدراسیون در این مورد صحبت کرده‌ایم و از مسوولان فوتبال الزام و ضمانت کامل را خواستار شدیم. امیدواریم آنها بتوانند تعهد قاطعی که به ما داده‌اند را به صورت جدی اجرا کنند و کوچک‌ترین تخطی را امسال در این زمینه شاهد نباشیم. سال گذشته سال ارشاد بود، اما امسال بر اساس اعلام مسوولان فدراسیون فوتبال سال الزام است. بر همین اساس تضمین خواستیم و آنها هم برای رعایت قانون ضمانت دادند. هرچند نقدهایی به این قانون داریم، اما چون تضمین دادند، امیدواریم آن را به خوبی اجرا کنند. تیم طلایی‌پوش اصفهانی که تاکنون توره، حاج صفی و رحمتی را از دست رفته می‌بیند، موفق شد با محرم نویدکیا کاپیتان خود به توافق برسد. در جریان برگزاری جلسه هیات مدیره باشگاه سپاهان که روز گذشته برگزار شد، محرم نویدکیا در توافق با مدیران این باشگاه قرارداد خود را با این تیم برای یک فصل دیگر تمدید کرد.

نامه معرفی سجادی به مجلس نرسیده است

لابی برای وزارت سعیدلو

رییس‌جمهور باز هم در معرفی وزیر ورزش و جوانان به مجلس خلف وعده کرد تا مشخص شود تصمیم‌گیران دولتی همچنان برای تعیین گزینه مورد نظر خود با اختلاف‌نظرهای شدیدی روبه‌رو هستند. در حالی که به گفته محمود احمدی‌نژاد قرار بود وزیر این وزارتخانه ۲۲خرداد همزمان با اتمام تعطیلات مجلس معرفی شود اما در جلسه دیروز نمایندگان، نامه‌ای مبنی بر معرفی وزیر اعلام وصول نشد تا مجلسی‌ها بار دیگر مقابل رییس دولت موضع بگیرند. خبر قطعی معرفی وزیر وزارتخانه تازه‌تاسیس ورزش در هفته جاری به گونه‌ای سوژه داغ رسانه‌ها شد که جلال یحیی‌زاده، عضو کمیته بدنی مجلس دو روز پیش از معرفی حمید سجادی، معاون سازمان منحل‌شده تربیت‌بدنی برای این وزارتخانه خبر داد. با این حال در شرایطی که طی دو روز اخیر تعدادی از نمایندگان مجلس رسیدن چنین نامه‌ای را به هیات‌رییسه مجلس به صورت ضمنی تایید کردند اما اخباری هم شنیده می‌شود که به کلی ارسال چنین نامه‌ای را به مجلس رد می‌کند. «هنوز نامه‌ای برای معرفی وزیر پیشنهادی ورزش به مجلس شورای اسلامی نرسیده است.» این تازه‌ترین خبری است که محمد دهقان، عضو هیات‌رییسه مجلس به شرق می‌گوید. او که از تمام اخبار منتشرشده در این خصوص اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، این طور به شرق توضیح می‌دهد: «من از هیچ چیز اطلاع ندارم و خبرهای معرفی حمید سجادی به عنوان وزیر پیشنهادی دولت برای وزارت ورزش را هم نشنیده‌ام. تا به دیروز هم نامه‌ای در مورد معرفی ایشان به دست ما نرسیده است.» نماینده چناران و طرقبه در پاسخ به این سوال که معرفی سجادی را به‌عنوان وزیر ورزش چطور می‌بینید، گفت: «من چیزی نمی‌دانم و در این مورد مصاحبه نمی‌کنم.» با این حال مقداد نجف‌نژاد، عضو فراکسیون ورزش در مجلس در گفت‌وگو با مهر معرفی سجادی را از سوی احمدی‌نژاد به مجلس تایید می‌کند و می‌گوید: «قرار است آقای میرتاج‌الدینی، معاون پارلمانی رییس‌جمهور امروز نامه معرفی وزیر پیشنهادی دولت را به نمایندگان مجلس ارایه کند.» او در مورد برخی مخالفت‌ها با معرفی‌شدن حمید سجادی برای وزارت ورزش ادامه می‌دهد: «گزینه رییس‌جمهور برای تصدی وزارت ورزش آقای سجادی است که از چهره‌های شناخته‌شده و خوشنام ورزشی است هرچند تلاش‌هایی وجود دارد که افراد دیگری را جایگزین کنند. درصورتی که نامه رییس‌جمهور امروز به مجلس ارایه شود، در جلسه سه‌شنبه آینده رای‌گیری برای رای اعتماد نمایندگان انجام خواهد شد.» نماینده بابلسر با بیان اینکه در نظر داریم طی هفته جاری نشستی با حمید سجادی برگزار کنیم تا در جریان برنامه‌های او برای ریاست وزارت ورزش قرار بگیریم، یادآور شد: «فراکسیون ورزش مجلس در این نشست در جریان نقطه‌نظرات وزیر پیشنهادی دولت قرار خواهد گرفت تا با تعامل دوسویه بهتر بتوانیم در جهت اهداف تاسیس وزارت ورزش که فاصله گرفتن از تصمیمات سلیقه‌ای است، حرکت کنیم.» با تمام اینها اگرچه شنیده می‌شد اکثر نمایندگان به خصوص ورزشی‌هایی که در مجلس هستند، موافق حضور سجادی در راس این وزارتخانه هستند اما اخباری هم به گوش می‌رسد که برخی‌ها لابی‌های پشت‌پرده‌ای برای معرفی دوباره علی سعیدلو برای تصدی این وزارتخانه انجام می‌دهند.

> نکته
> اگرچه شنیده می‌شد اکثر نمایندگان مجلس، موافق حضور سجادی در راس وزارتخانه ورزش هستند اما اخباری هم به گوش می‌رسد که برخی‌ها لابی‌های پشت‌پرده‌ای برای معرفی دوباره علی سعیدلو برای تصدی این وزارتخانه انجام می‌دهند

مخالفت بعضی از روسای فدراسیون‌ها که به نظر می‌رسد جریانی کاملا هدایت شده باشد، تلاش‌هایی است که نشان می‌دهد تا در آخرین لحظه، نظر تصمیم‌گیران سیاسی را در این زمینه تغییر دهند. با این وجود اخبار موثق از شانس بیشتر حمید سجادی معاون علی سعیدلو به عنوان وزیر پیشنهادی حکایت دارد. دیروز معرفی نشدن وزیر ورزش اعتراض برخی از نمایندگان را در صحن علنی مجلس به همراه داشت به طوری که نماینده مردم آبادان به رییس‌جمهور تذکر داد و گفت: آخر تا کی باید منتظر معرفی وزیر ورزش بمانیم. با وجود مخالفت‌های صریح نمایندگان مجلس با علی سعیدلو به دلیل موضع‌گیری‌های مخالفش برای تشکیل وزارت ورزش، باید دید دولت در نهایت چه کسی را به مجلس معرفی خواهد کرد و رایزنی‌های پشت پرده در نهایت به نفع کدام گزینه تغییر خواهد یافت.

ادامه درگیری بر سر تیم‌های انتقالی

تاج: انتقال نفت قطعی نیست

در این روزها که اکثر تیم‌های لیگ برتری در حال رقابت برای جذب مربی و بازیکنان مورد نظرشان هستند تکلیف دو تیم لیگ برتری اصلا مشخص نیست. نفت تهران و مس سرچشمه دو تیمی که اخباری درباره انتقال آنها منتشر شده، همچنان بین این شهر و آن شهر سرگردانند.

چند روزی است که مسوولان ورزش وزارت نفت و استان مرکزی از انتقال قطعی نفت تهران به اراک خبر می‌دهند، اما هنوز درباره این انتقال انتقادآمیز ابهامات زیادی وجود دارد. مسوولان وزارت نفت رسما اعلام کردند دیگر تیمداری نمی‌کنند و نفت را در اختیار استان مرکزی قرار می‌دهند اما این تصمیم وزارت نفت مورد پسند مسوولان استان مرکزی قرار نگرفته، آنها تاکید دارند تنها تیم نفت را نمی‌خواهند بلکه باید حمایت مالی وزارت نفت هم پشت سر این تیم انتقالی باشد. مهدی تاج، نایب‌رییس فدراسیون فوتبال در این‌باره گفت: «قنبرزاده، مدیرعامل این باشگاه نامه‌ای به ما نوشته که تیم نفت تهران به اراک واگذار شد و در این‌باره هیات فوتبال و اداره تربیت بدنی استان مرکزی را مقصر دانسته است. از آن سو هیات فوتبال و اداره تربیت بدنی اراک اعلام کرده‌اند که ما تیمدار نیستیم و قصد تیمداری و باشگاه‌داری نداریم. به همین دلیل هنوز این انتقال قطعی نیست.» در این شرایط اعتراض‌ها به این تصمیم غیرورزشی همچنان ادامه دارد. شنبه بعد از ظهر گروهی از مربیان و بازیکنان تیم‌های نفت تهران مقابل فدراسیون تجمع کردند و برای تیم نفت تشییع جنازه نمایشی راه انداختند. تاج در این‌باره توضیح داد: «عده‌ای که به مقابل فدراسیون آمده بودند و نسبت به انتقال نفت تهران به اراک اعتراض داشته‌اند، نگران زحمت‌هایی هستند که برای این تیم کشیده‌اند که برای ما قابل فهم است، منتهی به هر جهت، اگر اعتراض دارند، این اعتراض با تجمع قابل قبول نیست و باید این اعتراض را به ما کتبا اعلام کنند. خود باشگاه نفت هم به ما اعتراض کرده اما این اعتراض برای ما گویا نیست.» مشکل اصلی انتقال نفت به اراک قطع حمایت وزارت نفت از این تیم لیگ برتری است، اراکی‌ها عنوان می‌کنند که این وزارتخانه باید همچنان هزینه‌های این تیم را تقبل کند. محمدرضا غفاری، رییس هیات فوتبال استان مرکزی در این‌باره به ایسنا گفت: «در این رابطه مشکل خاصی در خصوص انتقال امتیاز وجود ندارد اما باید قبل از انجام این انتقال، منابع مالی تیم مشخص شود. همان طور که در سفر سوم هیات دولت به استان مصوب شد تیم نفت باید با حمایت وزارت نفت به اراک منتقل شود، ما از این مصوبه حمایت کردیم و امیدواریم وزارت نفت همچنان به حمایت‌های خود از این تیم ادامه دهد.» در همین رابطه استانداری استان مرکزی و تربیت بدنی اراک اعلام کردند که حاضر نیستند تیم نفت را مورد حمایت خود قرار دهند و آینده این تیم کاملا مبهم است. به گزارش فارس دیروز پیش از برگزاری مراسم معارفه تیم نفت اراک بازیکنان فصل گذشته نفت تهران اعلام کردند به اراک نمی‌روند. جالب اینکه این مراسم بدون حضور نمایندگان اراک و با حضور مدیرعامل، سرمربی و جمعی از بازیکنان این تیم برگزار شد. به نظر می‌رسد فدراسیون فوتبال خودش باید درباره این انتقال جنجالی تصمیم‌گیری کند تا تکلیف این تیم مشخص شود. مس سرچشمه دیگر تیمی است که در فهرست تیم‌های انتقالی قرار گرفته. پس از اینکه مشخص شد طبق قوانین، کارخانه مس نمی‌تواند به طور همزمان دو تیم در لیگ برتر داشته باشد، خبر رسید که امتیاز مس سرچشمه به پاس همدان واگذار می‌شود. انتشار این خبر با اعتراض شدید کرمانی‌ها روبه‌رو شد و مسوولان این استان به دنبال پیدا کردن راه‌حلی هستند تا هرطور که شده مس سرچشمه را در لیگ برتر حفظ کنند. نایب‌رییس فدراسیون فوتبال در این‌باره توضیح داد: «باشگاه مس سرچشمه کرمان که امسال لیگ برتری شده، به دنبال واگذاری است اما این واگذاری در نامه آنها درون استانی است و معترضان، شهرداری، فرمانداری و خود بازیکنان باشگاه، طوماری را برای فدراسیون فوتبال ارسال کرده‌اند که در قالب یک اعتراض به دست ما رسیده است. هفته گذشته هیات رییسه سازمان لیگ با حضور رییس فدراسیون، نایب‌رییس فدراسیون، دبیرکل فدراسیون و رییس سازمان لیگ به این اعتراض رسیدگی کرده و به این نتیجه رسیدیم که تیم باید در کرمان بماند و متعلق به مس باشد مگر اینکه ضوابط AFC رعایت نشود اما اگر ضوابط AFC را رعایت کند، می‌تواند در کرمان بماند.»

> نکته
> مسوولان وزارت نفت رسما اعلام کردند دیگر تیمداری نمی‌کنند و نفت را در اختیار استان مرکزی قرار می‌دهند اما این تصمیم وزارت نفت مورد پسند مسوولان استان مرکزی قرار نگرفته است

خبر

اسامی بازیکنان تیم امید اعلام شد

■ اسامی بازیکنان تیم ملی فوتبال امید از سوی کادر فنی اعلام شد. به گزارش سایت فدراسیون، حامد لک – میلاد فخرالدینی – سیامک کوروشی – احسان حاج‌صفی – آرش افشین – مسعود ابراهیم‌زاده – کریم انصاری‌فرد – علی مرزبان – علیرضا جهانبخش – سیدرضا طلبه – مهدی دغاغله – ابوالحسن جعفری – محسن مسلمان – محمدرشید مظاهری – محمدصالح خلیل‌آزاد – شجاع خلیل‌زاده – رسول کر – مهرداد جماعتی – محمدرضا زینال‌خیری – سامان آقازمانی – حمید علی‌عسگر – علی زینالی – یعقوب کریمی – سیدایمان موسوی – کمال کامیابی‌نیا نفراتی‌اند که باید پیش از ساعت ۱۳ امروز در کمپ تیم‌های خود را به کادر فنی و سرپرست تیم معرفی کنند.

نشست ویژه برای معرفی هیات‌مدیره پرسپولیس

■ پس از قهرمانی پرسپولیس در بیست و چهارمین دوره رقابت‌های جام حذفی و کناره‌گیری حبیب کاشانی از سرپرستی این باشگاه، سازمان تربیت بدنی در تلاش است تا هر چه سریع‌تر اعضای جدید هیات‌مدیره را معرفی کند. به گزارش مهر به همین جهت از صبح دیروز نشست‌های ویژه‌ای برای انتخاب اعضای هیات‌مدیره باشگاه پرسپولیس برگزار شده است که در صورت رسیدن به توافق نهایی با گزینه‌های مدنظر سازمان تربیت بدنی، اعضای جدید امروز معرفی خواهند شد تا با انتخاب مدیرعامل کار جذب بازیکنان جدید و تمدید قرارداد با بازیکنان فعلی آغاز شود. در حالی که نشست‌ها برای انتخاب اعضای هیات‌مدیره باشگاه پرسپولیس همچنان ادامه دارد، از حسین هدایتی، مجید فرخزادی، کریم باقری و علی پروین به عنوان جدی‌ترین گزینه‌ها برای حضور در هیات‌مدیره پرسپولیس نام برده می‌شود که این افراد در روزهای گذشته جلساتی را برای قطعی شدن این اتفاق داشته‌اند.

به نظر می‌رسد علی سعیدلو قصد دارد قبل از مشخص شدن وزیر ورزش و جوانان تکلیف اعضای هیات‌مدیره پرسپولیس را مشخص کند تا این باشگاه در فصل نقل و انتقالات از سایر باشگاه‌ها عقب‌تر نیفتد و بتواند بازیکنان موردنظرش برای حضور در فصل آینده رقابت‌های لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا را جذب کند.

مرفاوی با مس تمدید کرد

■ صمد مرفاوی پس از انجام مذاکرات نهایی و توافق کامل با مسوولان باشگاه مس، عصر شنبه به کرمان سفر و قراردادش را یک فصل دیگر با تیم فوتبال مس تمدید کرد تا هدایت نارنجی‌پوشان را در یازدهمین دوره لیگ برتر بر عهده بگیرد.

سیاست

ناگفته‌های هاشمی از وارونه‌نویسی تاریخ جنگ

ادامه از صفحه اول

اینکه بوش اصرار می‌کرد عراق دارد و به بهانه آنها صدام را ساقط کرده، نشان می‌دهد داشتند می‌دادند که جنگ تمام شد و آنها هم متوقف کردند. نکته مبهم این است که توانستند پس بگیرند یا عراق مخفی کرد. همه چیز به عراق می‌دادند تا ما پیروز نشویم. در سایه همین کارها بود که نیروهای ما، عمدتا از سپاه در دو، سه جبهه از فاو، شلمچه و جزیره مجنون عقب‌نشینی داشتند که نشان از تفوق نسبی عراق با استفاده از امکانات سلاح‌های غربی بود. به هر حال این کارها از سپاه معنادار بود و همین مسایل درون سپاه را دچار مشکل کرده بود. اگرچه بعضی اصرار می‌کردند که باید جنگ را تمام کنیم اما آقای رضایی می‌گفت: «باید بجنگیم ولی با این امکانات نمی‌توانیم. باید امکانات زیادتری بدهید.» بعد از اینکه مساله حلبچه اتفاق افتاد و از سد دربندیخان هم عقب آمدیم، خودمان عقب آمدیم. چون بعد از بمباران شیمیایی حلبچه بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که در صورت ادامه حضور نیروهای ما در آنجا، امکان دارد عراق جاهای دیگری را هم در ایران و عراق بمباران کند. در همان منطقه یک بحث جدی با آقای رضایی کردم که بالاخره می‌خواهید چه کار کنید؟ اینکه پیش امام صحبت از جنگ عاشورایی می‌کنید، برنامه شما چیست؟ ایشان گفت: اگر می‌خواهید بجنگیم، باید امکانات بدهید. گفتم: از کجا بدهیم؟ مگر پول داریم؟ پنج تا شش میلیارد دلار درآمد نفتی داریم که در حد تامین نیازهای اولیه شماست و تمام می‌شود. در داخل کشور هم باید زندگی مردم را تامین کنیم. اگر مردم در پشت جبهه آب و نان نداشته باشند، حمایت نمی‌کنند. الان برق مردم در ۲۲ ساعت به تناوب قطع می‌شود و در شهرها نه تنها هیچ حرکتی برای رونق نمی‌شود، بلکه روز به روز خراب می‌شود. می‌دانید اگر حمایت‌های مردمی قطع شود، اوضاع برای ما در جبهه‌ها بد می‌شود. واقعا وضع بودجه کشور به‌گونه‌ای بود که تقسیم کرده بودیم؛ ۵۰ درصد را به جنگ و ۵۰ درصد را به دولت اختصاص داده بودیم تا برای مردم هزینه کنند. با توجه به اوضاع بسیار آشفته تولید، بیشتر احتیاجات کشور وارداتی بود. در همان جلسه آقای رضایی نیازهای ادامه جنگ را برای من برشمرد و من در جواب گفتم: «به جای اینکه به من بگویید، به امام بنویسید، الان بعضی‌ها می‌گویند آقای هاشمی او را تحریک کرد که آن نامه را بنویسد. من گفتم: شما خواسته‌های خود را به امام بنویسید تا بدانند که شما چه می‌خواهید. اگر بتوانیم، تامین می‌کنیم و اگر نتوانیم، باید تابع هر تصمیمی باشیم که ایشان می‌گیرند. این‌گونه درست نیست که ما تلفات بدهیم و جنگ هم در این حالت فرسایشی ادامه داشته باشد. واقعا من به ایشان نگفتم که چه بنویسد. گفتم: هر چه که نیازهای واقعی شما برای ادامه جنگ است، بنویسید تا همه مسوولان بدانند و اگر می‌توانند، تامین کنند. به هر حال وی آن نامه را نوشت که خواندید.

آقای موسوی هم خودش نوشت، یا شما توصیه کردید؟

خبر نداشتم. بعدها فهمیدم گویا آقای ایروانی که اخیرا ادعا می‌کند، می‌توانستیم تامین کنیم و نمی‌کردیم، در نامه‌ای به امام نوشته است که از خط قرمز هم عبور کردیم. البته در خاطرات سال ۶۶ من هست که آقای ایروانی چندین بار از کاهش منابع ارزی دولت ابراز نگرانی کرد و حتی می‌گفت که باید از سهمیه ارزی دفاع کاسته شود.

نامه‌های آقایان موسوی، رضایی و ایروانی رسما در جایی منتشرنشد.

ولی متن کامل آن نامه‌ها در آن نامه معروف امام آمده که اتفاقا سند بسیار خوبی است. چون با توجه به مسایل سیاسی بعید نبود که نویسندگان پس از انتشار، انکار کنند. نقل شده آقای ایروانی که آن زمان صحبت از خط قرمز کرده بود، الان می‌گوید دولت می‌توانست و نمی‌داد. البته باید به این نکته توجه شود که نباید نویسندگان نامه‌ها مورد سرزنش قرار گیرند. چون واقعا راست می‌گفتند. گفتم که پنج تا شش میلیارد دلار درآمد داشتیم که همیشه کم می‌آوردیم. سال آخر یعنی ۶۷ ما ۵۱ درصد کسری بودجه داشتیم و آن ۴۹ درصد هم اسمی بود که تحقق پیدا نمی‌کرد و بانک مرکزی پول چاپ می‌کرد.

از همان بخش هم که از طرف دولت به مردم داده می‌شد، بخشی به صورت کمک داوطلبانه به جبهه برمی‌گشت.

بله، آن کمک‌های داوطلبانه نشان از ایثار مردم، مخصوصا کارگران برای حمایت از جبهه‌ها داشت که شاید در زندگی آنها خیلی تاثیر داشت، ولی در مقابل نیازهای جبهه خیلی کم بود. مثلا یک کاروان هدایای مردم در مجموع حدود دو هزار دلار ارزش داشت ولی برای تبلیغات و تقویت روحیه رزمندگان خیلی خوب بود.

شما آن نامه‌ها را به امام تحویل دادید؟

یادم نیست. فرقی نمی‌کند. به هر حال نامه‌ای برای امام نوشته شد و باید به دست ایشان می‌رسید.

آقای رضایی می‌گوید من نامه را به آقای هاشمی نوشتم.

اگر وی می‌گوید، من به امام رساندم حتما در خاطرات سال ۶۷ من آمده است.

در مقطعی از جنگ با دوستان سپاه هماهنگ کردید.

یک مقطع نبود، از اول جنگ با ارتش و سپاه هماهنگ بودم.

منظورم مقطعی است که سپاه ادعا کرده بود دولت درگیر جنگ نیست. شما فرمودید: توپ را در زمین دولت می‌اندازیم تا به صورت کامل درگیر جنگ شود.

قبلا هم شنیدم که چنین حرفی از من نقل شده است. یادم نیست، ولی براساس روال طبیعی نباید این‌گونه باشد. چون امام شورای‌عالی دفاع را با اختیار کامل تشکیل داده بودند. ما عضو آن بودیم که به جای مجلس، دولت و قوه قضاییه تصمیم می‌گرفتیم. آیت‌الله خامنه‌ای رییس آن شورا بودند و مقرراتی که گذرانده بودیم، یک مجموعه است. حتی درباره مدت زمان سربازی و اجازه یا عدم اجازه سفرهای خارج مسوولان، تصمیم‌گیری می‌کردیم. یعنی اینقدر وارد جزییات می‌شدیم.

با این وجود آقایان خاتمی، موسوی و بهزاد نبوی در سال آخر جنگ به عنوان مسوولان پشتیبانی انتخاب می‌شوند.

این موضوع مربوط به زمانی است که به خاطر پیشروی‌های عراق، اوضاع ما بد شد. در آن مقطع به امام پیشنهاد دادیم که یکی از دو راه انجام شود: یا همه چیز برای جبهه تجهیز شود یا جنگ را تمام کنیم. ایشان فرمودند: در درجه اول همه چیز را تجهیز کنید. بنابراین آن شورا را با اختیارات تام تشکیل دادند. بعد از آن قرار شد ستاد پشتیبانی و شورای‌عالی ادغام شود که دولت مسوول ستاد کل شد. این دو، سه نفر نبودند. خیلی‌ها عضو آن ستاد بودند که اسناد و مدارکش موجود است و بارها منتشر شد. به هر حال ستاد کل پشتیبانی را برای کل جبهه و همه نیروها در ارتش، سپاه و بسیج تشکیل دادیم که آقای موسوی رییس آن بود و آقایان دیگر هر کدام در تبلیغات و تدارکات و به تناسب مسوولیت‌هایی که در دولت داشتند، در ستاد کار می‌کردند.

برخی معتقدند که اگر همه امکانات یک کشور در اختیار جنگ قرار بگیرد، نشانه شکست است. آیا بعد از تشکیل این ستاد، عمده امکانات کشور در خدمت جنگ قرار گرفت؟

کاملا در اختیار جنگ بود. حتی کامیون‌ها و کمپرسی‌های شهرداری‌ها را به جبهه برده بودیم تا سنگرسازی کنند و خاکریز بزنند. امکاناتی که نیاز جبهه بود در شهرها نمانده بود. همه استانداری‌ها و شهرداری‌ها معین لشکرهای استان خودشان بودند. امکانات کشور در خدمت جنگ بود و امکانات زیادی در پشت جبهه‌ها نمانده بود. حتی کارخانه‌های مهم کشور به جای اینکه در راستای کارهای خودشان تولید کنند، با تغییرات جزیی کاربری‌ها در اختیار نیازهای جنگ قرار داده بودیم که خمپاره، موشک ۱۰۷ و دیگر نیازها را تولید می‌کردند. آقای محلوجی از طرف من مامور شده بود که کارخانه‌ها را برای تولید لوازم جنگ شناسایی و پیگیری کند. انصافا خیلی تولید کرده بودند. انبوه احتیاجات ما در این کارخانه‌ها تولید می‌شد. می‌توانید بررسی کنید که در آن مقطع علاوه بر «ساصد» یعنی سازمان صنایع دفاعی هر یک از کارخانه‌ها چه تولیداتی را در راستای نیازهای جنگ داشتند.

ولی الان دو گزارش متفاوت وجود دارد؛ یکی اینکه آقای رفیقدوست در گزارش‌های خود ادعا می‌کند صنایع و امکانات به صورت کامل در اختیار جنگ قرار نمی‌گرفت. گزارش دوم ادعای آقای ایروانی است. نکته مهم یک فایل صوتی از مقام معظم رهبری است که اخیرا در فضای اینترنت منتشر شد.

ظاهرا در گلف اهواز در دیدار با فرماندهان است که ایشان به وزارت صنایع سنگین آن زمان اشکال می‌گیرند و می‌فرمایند: بارها گفتم که امکانات صنایع را در خدمت جنگ بگذارند و نمی‌دانم چرا نمی‌کنند؟ بعضی‌ها این گلایه ایشان را از آنجا مهم می‌دانند که صنایع سنگین کشور که محوریت و مسوولیت آن با آقای بهزاد نبوی بود، در خدمت جنگ نبود. خود ایشان هم رییس‌جمهور و هم رییس شورای‌عالی دفاع بود. شاید یک مورد باشد که به آن اشاره کرده باشند، ولی به صورت کلی به هر کارخانه‌ای که مواد اولیه را برای تولید نیازهای جنگ می‌دادیم، در اختیار بودند. نکته مهم این بود که در آن شرایط به خاطر نبود مواد اولیه تولیدات کارخانه، اکثر آنها تعطیل و منتظر بودند کاری به آنها بدهیم. مجانی که تولید نمی‌کردند. آقای رفیقدوست و دیگران مواد اولیه را تامین می‌کردند و به کارخانه‌ها می‌دادند و آنها هم براساس نیازها تولید می‌کردند و اجرت می‌گرفتند. از خدایشان بود که به آنها کار بدهیم. اگر می‌خواهید تحقیق کنید، بررسی کنید که چند کارخانه و چگونه در خدمت جنگ بودند. به علاوه همان گروه که با ریاست آیت‌الله خامنه‌ای کار می‌کرد، یعنی شورای‌عالی دفاع، فوق همه دستگاه‌ها، حتی قوه قضاییه بود که تصمیمات قضایی می‌گرفت. با اجازه امام اختیار کامل داشتیم و کسی نمی‌توانست تخلف کند.

درباره ادامه جنگ دیدگاه سومی هم وجود دارد. ارتشی‌ها به جنگ کلاسیک اعتقاد داشتند که در آن شرایط امکان نداشت. سپاهی‌ها هم با محوریت آقای رضایی می‌خواستند عمدتا در جنوب عملیات کنند تا از طریق شلمچه به بصره برسند. در کنار این دو دیدگاه، دیدگاه سومی در سپاه، به خصوص سپاه تهران وجود داشت که شهید داود کریمی و تعداد دیگری از فرماندهان می‌گفتند: هر دو نظریه سپاه و ارتش اشتباه است و باید از مرکز حمله کنیم که به بغداد نزدیک‌تریم. ظاهرا این دیدگاه به اختلافات سال ۶۳ در سپاه انجامید و آن درگیری‌ها پیش آمد که در نهایت این گروه از سپاه پاکسازی شدند. از آن جمع ۱۱نفره هنوز یکی، دو نفر زنده هستند. آیا شما در جریان این دیدگاه بودید؟

بله. در همان خاطرات سال ۶۳ من آمده که گروه‌گروه از سپاه پیش من می‌آمدند و از شیوه‌های جنگ و فرماندهی گله می‌کردند. ولی در پاسخ این سوال ما که چه کار کنیم، حرف‌های شعاری می‌زدند. مثلا روی عملیات در منطقه مهران خیلی تکیه می‌کردند و می‌گفتند: از اینجا خیلی زودتر به بغداد می‌رسیم. ولی مگر رسیدن به بغداد به همین آسانی بود؟! ما تجربه دفاع عراقی‌ها در جنوب را داشتیم. مثلا در شلمچه و فاو، وقتی از غافلگیری گذشتیم، پیشروی نیروهای ما نخل را تصرف می‌کردند. شما اهمیت بصره و بغداد برای عراق را در نظر بگیرید و با هم مقایسه کنید. برای دفاع از بصره این‌گونه عمل می‌کردند، ولی برای حفاظت از بغداد هرگونه کاری می‌کردند. حساسیت عراق برای حلبچه را ندیدید؟ با سلاح‌های شیمیایی، مردم خود را نابود کرد. در طول جنگ بارها دیدیم که عراق در اتخاذ سیاست زمین سوخته، هر کار ضدبشری را انجام می‌داد. البته بچه‌های سپاه در حد امکانات خود واقعا مخلصانه و شهادت‌طلبانه می‌جنگیدند و حقیقتا فداکاری می‌کردند. ولی برای ما که در مقام فرماندهی جنگ و مسوولان کشور تصمیم‌گیری می‌کردیم، بررسی و مقایسه امکانات، شعارها و حتی طرح‌های عملیاتی مهم بود. ولی اختلافات داخلی سپاه واقعا روند رو به پیش ما را در جنگ کند می‌کرد. البته اختلاف سلیقه برای همه، مخصوصا کسانی که در مقام فرماندهی یک جمع در گردان‌ها، تیپ‌ها یا لشکرها بودند، طبیعی است. ما هم سعی می‌کردیم سلیقه‌های مختلف را به رویه‌ای واحد برسانیم که در طول جنگ همین کار را می‌کردیم و با این سیاست چندین عملیات بزرگ انجام دادیم که منجر به آزادسازی بخش‌های مهمی از خاک کشور می‌شد. البته نباید فراموش کنید که یکی از مشکلات واقعی ما در تمام طول جنگ این بود که براساس اندیشه‌های انسانی و اسلامی نمی‌خواستیم مردم عراق آسیب ببینند. در جلسات قبلی گفتم که برای انجام عملیات، مناطقی را انتخاب می‌کردیم که خالی از سکنه باشد یا در مقابله به‌مثل‌های اجباری، ۲۴ ساعت قبل اعلام می‌کردیم تا مردم اگر می‌خواهند، بتوانند بروند. در سال‌های آخر جنگ در صنایع موشکی به تولیدات انبوه موشک‌های دوربرد رسیده بودیم که می‌توانستیم شهرهای مناطق شرقی عراق را بزنیم. می‌دانستیم وسعت تخریب یک موشک با یک کلاهک معمولی در یک شهر، آن هم در مقابل سیاست امام(ره) که می‌گفتند مردم عراق را با خود داشته باشیم، کم است. ما که نمی‌خواستیم از کلاهک‌های شیمیایی استفاده کنیم. حقیقتا آمریکایی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و دیگر کشورهای غربی و حتی شرقی نمی‌خواستند ما پیروز شویم که در جنوب دست ما را می‌بستند و امکانات صدام هم اجازه هر نوع اقدام ضدبشری را به آنها می‌داد. به علاوه کم‌کم معلوم شده بود که کشورگشایی جواب نمی‌دهد و باید راهی پیدا کنیم که جنگ را به سامان برسانیم. اشغال کامل خاک عراق که بعضی‌ها می‌گفتند کربلا را می‌گیریم و از آنجا به فلسطین می‌رویم، یک هدف بسیار مشکل و در آن شرایط تقریبا دور از دسترس بود. در مجموع برای امام و ما سران قوا کاملا روشن بود که قدرت‌های جهانی اجازه نمی‌دهند ما پیروز شویم. تا مدت‌ها با تلفیق ایثار نیروها و نقشه‌های عملیاتی، کارهایی می‌کردیم و ضرباتی می‌زدیم، ولی اواخر به این نکته رسیدیم که آنها همه امکانات خود را برای جلوگیری از پیروزی ما در اختیار عراق قرار می‌دهند. در عین حال اگر سپاه مثل گذشته می‌جنگید و اختلافات داخلی‌شان بروز نمی‌کرد و مشکل امکانات نداشتند، شاید امام با آتش‌بس موافقت نمی‌کردند. آقای رضایی می‌توانست در همان نامه حرف‌های کلی بنویسد. اینکه جزییات نیازها را با ذکر ارقام بنویسد، برای امام مهم بود. امام در همان نامه که برای بیان بعضی از علل قبول آتش‌بس است، نقل به مضمون می‌گویند که این مقدار هواپیما، تانک و موشک را از کجا بخریم؟ آمریکا را چگونه از خلیج‌فارس بیرون کنیم؟ شرط آقای رضایی این بود که آمریکا در خلیج‌فارس نباشد. وقتی دیدند با این نامه امام، ادعاهای آنها درباره علل پایان جنگ برای مردم برملا شد، از راه دیگر وارد شدند که آقای هاشمی یک نامه محرمانه را منتشر کرد که یک دروغ بزرگ است. این نامه از مدت‌ها قبل با دستخط امام در خاطرات آیت‌الله منتظری چاپ شده بود که همه مردم فهمیده بودند.

من وقتی دیدم اینها دارند تاریخ جنگ را به همین زودی وارونه و منحرف می‌کنند، با یادآوری آن نامه به همه گفتم که بهتر است در مساله‌ای به این مهمی با سند حرف بزنیم و بهترین سند هم همان نامه بود که در متن خود چندین سند غیرقابل انکار داشت. جالب است بدانید در همان زمان کپی همین نامه توسط حاج احمدآقا به دست من رسید و گفت: امام می‌گویند این نامه را داشته باشم تا در مقطعی که نیاز شد، منتشر کنم. من هم دیدم بهترین زمان انتشار از سوی من همان زمان است که جوانان واقعیت‌های مقطع پایان جنگ را بدانند.

گزارش

سوریان ناباورانه حذف شد

■ آخرین رو